

## پلاتفرم تاکتیکی برای کنگره وحدت

حزب کارگری سوسیال دموکراتیک روسیه (ح.ک.س.د.ر.)

پیش نویس قطعنامه‌ها

برای کنگره وحدت ح.ک.س.د.ر. [1]

### ولادیمیر ایلیچ لنین

ترجمه جواد راستی پور

یازده قطعنامه‌ای که به همراه این نامه به خواننده ارائه شده‌اند توسط گروهی متشکل از دبیران و نویسندگان سابق نشریه پرولتاری، و تعدادی از اعضای حزب که درگیر کار عملی بوده‌اند، که همگی دیدگاه‌های یکسانی داشته‌اند، تنظیم گشته است. اینها قطعنامه‌های تکمیل شده نیستند، بلکه پیش نویس‌های خام‌اند، که هدف‌شان ارائه دادن تصویری تا حد امکان کامل از مجموع دیدگاه‌هایی است که بخش مشخصی از حزب درباره تاکتیک دارد، و تسهیل کردن بحث سیستماتیکی است که اکنون به دعوت کمیته مرکزی مشترک ما در تمام محافل و سازمان‌های حزبی آغاز شده.

قطعنامه‌ها درباره تاکتیک‌ها در چارچوب دستور جلسه کنگره [2] که در جزوه کمیته مرکزی مشترک پیشنهاد شده بود می‌گنجد. ولی اعضای حزب به هیچ وجه موظف نیستند که خودشان را به این دستور جلسه محدود نمایند. ما با قصد نشان دادن کامل همه عقاید درباره تاکتیک‌ها، احساس وظیفه کردیم که دو مسئله را که در دستور جلسه پیشنهاد شده توسط کمیته مرکزی مشترک وجود نداشتند، یعنی، «مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک» و «وظایف طبقاتی پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک» به موضوع بحث اضافه کنیم. بدون حل شدن این مسائل، مسائل خاص تر مربوط به تاکتیک‌ها نمی‌توانند مورد بحث قرار بگیرند. از این رو پیشنهاد می‌کنیم که کنگره در دستور جلسه‌اش مسئله عام زیر را درج نماید: «مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک و وظایف طبقاتی پرولتاریا».

در خصوص برنامه ارضی، و شیوه برخوردی که باید نسبت به جنبش دهقانی اتخاذ گردد، نیاز به یک جزوه خاص هست.<sup>1</sup> به علاوه، کمیته مرکزی مشترک کمیته خاصی را جهت تنظیم کردن گزارشی درباره این مسئله [3] برای کنگره منصوب نموده است. با انتشار این پیش نویس های مقدماتی، ما همه اعضای حزب را به بحث اصلاح و تکمیل آنها دعوت می کنیم. سازمان های حزبی می توانند گزارش های مکتوب و پیش نویس هایشان را به کمیته سن پترزبورگ حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه ارسال دارند تا به گروه ارائه دهنده قطعنامه ها تحویل داده شود.

### مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک.

نظر به اینکه:

(1) با نابودی گسترده نیروهای مولد و فقیرسازی بی سابقه مردم، بحران اقتصادی و مالی که روسیه تجربه می کند، که از فروکش کردن فاصله زیادی دارد، گسترش می یابد و شدیدتر می شود و به بیکاری خوفناکی در شهرها و قحطی در مناطق روستایی منجر می گردد؛

(2) اگر چه طبقه سرمایه دار بزرگ و ملاک که از فعالیت انقلابی مستقل مردمی که امتیازات و منافع یغماگرانه او را تهدید می کنند در هراس است، با هدف سرکوب کردن انقلاب، به سرعت از مخالفت به سوی معامله با اتوکراسی [حکومت خودکامه] چرخش می کند، اما مطالبات برای آزادی سیاسی واقعی و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی پشتوانه بیشتری می یابند و در بین اقشار جدید خرده بورژوازی و دهقانان قوی تر می شوند؛

(3) دولت [حکومت] مرتجع کنونی که در عمل سعی دارد خودکامگی [یا حاکمیت خودکامه] قدیمی را حفظ کند، تمام آزادی هایی را که اعلان کرده بود پایمال می سازد و تنها به قشر فوقانی طبقات متمکن یک صدای مشورتی [رای مشورتی] می دهد، تقلید مسخره آمیز شرم آوری از نمایندگی مردمی را ارائه می کند، کل کشور را در معرض یک رژیم سرکوب نظامی، سبعبیت وحشیانه و اعدامهای توده ای می گذارد، و ستمگری پلیسی و اداری را تا درجه بی سابقه ای تشدید می کند، بدین وسیله دارد ناآرامی و

<sup>1</sup> - به صفحات 95-165 از جلد 10 مجموعه آثار لنین مراجعه نمایید - ویراستار.

نارضایتی در بین بخش های وسیع بورژوازی را دامن می زند، خشم و غضب توده های پرولتاریا و دهقانان را برمی انگیزد، و راه را برای یک بحران سیاسی جدید، گسترده تر و شدیدتر هموار می کند؛

4) روند حوادث در پایان سال 1905 - اعتصابهای توده ای در شهرها، ناآرامی در مناطق روستایی و قیام مسلحانه در دسامبر، که محصول تمایل مردم به دفاع کردن از آزادیهای که کسب کرده بودند بازپس گرفتن آن آزادی ها توسط دولت بود، و سرکوب نظامی بی رحمانه متعاقب جنبش آزادیخواهان - بی فایده توهّمات مشروطه خواهان را آشکار ساخته است، و چشمان توده های وسیع مردم را به مضر بودن چنین توهّماتی در دوره ای که مبارزه برای آزادی به شدت جنگ داخلی علنی رسیده، باز کرده است؛ ما عقیده داریم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

1) که انقلاب دمکراتیک در روسیه از فروکش کردن به دور است و در آستانه یک برآمد جدید قرار دارد، و اینکه دوره آرامش نسبی کنونی باید نه بمتابه شکست نیروهای انقلاب، بلکه بمتابه یک دوره انباشت انرژی انقلابی، هضم کردن تجربه سیاسی مراحل گذشته، گرفتن نیرو از اقلیت جدید مردم به جنبش درآمده و، در نتیجه، تدارک دیدن برای یک تهاجم انقلابی جدید و قدرتمندتر در نظر گرفته شود؛

2) که شکل عمده جنبش آزادیبخش در زمان حاضر نه مبارزه قانونی بر مبنای شبه مشروطه، بلکه جنبش انقلابی مستقیم توده های وسیع مردم، شکستن قوانین پلیسی و نیمه فئودالی، ساختن قانون انقلابی، و نابود کردن جبری وسایل سرکوب مردم می باشد؛

3) که منافع پرولتاریا، بمتابه پیشروترین طبقه در جامعه مدرن، برپا کردن مبارزه ای بی امان علیه توهّمات مشروطه طلبانهای را می طلبند که بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب (از جمله حزب دمکرات - مشروطه طلب) می پراکند تا منافع طبقاتی تنگ نظرانه اش را بیوشاند، منافی که در یک دوره جنگ داخلی، بیشترین تأثیر فاسدکننده را بر آگاهی سیاسی مردم می گذارند.

### قیام مسلحانه

نظر به اینکه:

1) تمامی تاریخچه انقلاب دمکراتیک کنونی در روسیه به ما نشان می دهد که، جنبش در کلیتش، پیوسته به سوی اشکال قاطع تر و تعرضی تر مبارزه علیه خودکامگی [حاکمیت خودکامه] پیش می رود، اشکالی که به طرز فرایندهای خصلت توده‌ای یافته، سراسر کشور را دربر می گیرند؛

2) اعتصاب سیاسی در اکتبر، که دوما بولیگین را درهم شکست، دولت خودکامه را مجبور به اعلام اصول آزادی سیاسی نمود، و قدرت غول آسای پرولتاریا و توانایی این طبقه را برای دست زدن به عمل به صورتی یکپارچه و سراسری، به رغم تمام نارسایی‌های تشکیلاتی طبقاتی اش، به نمایش درآورد؛

3) با رشد باز هم بیشتر جنبش، ثابت شد که اعتصاب عمومی مسالمت آمیز کافی نبوده و توسل به آن شیوه از مبارزه، نمی توانست راهی برای دستیابی به اهداف مورد نظر باشد و پراکندگی نیروهای پرولتاریا را باعث گردید؛

4) در ماه دسامبر، تمامی جنبش انقلابی با نیروی اصلی خود به قیام مسلحانه روی آورد، زمانی که نه تنها پرولتاریا بلکه نیروهای جدیدی متشکل از تهیدستان شهری و دهقانان نیز سلاح برگرفتند تا به دفاع از آزادیهایی که مردم به دست آورده بودند در برابر تجاوزات دولت ارتجاعی برخیزند؛

5) قیام دسامبر، تاکتیکهای جدید سنگربندی خیابانی را به منصفه ظهور رساند و بطور کلی این مطلب را اثبات نمود که مبارزه مسلحانه علنی مردم، حتی علیه نیروهای نظامی مدرن امکان پذیر است؛

6) به خاطر استقرار دیکتاتوری نظامی و پلیسی، علیرغم وعده و وعید درباره قانون اساسی، توده‌های مردم به طرز فزاینده‌ای به ضرورت پیکار برای دستیابی به قدرت واقعی، قدرتی که مردم انقلابی تنها در یک نبرد رویاروی با نیروهای حکومت خودکامه قادر به کسب آن می باشند، آگاه می شوند؛

7) حاکمیت خودکامه با کشاندن نیروهای نظامی خود برای سرکوب مسلحانه مردم، همان مردمی که نیروهای نظامی بخشی از آنها را تشکیل می دهند، با عدم اجرای اصلاحات فوری نظامی که تمامی عناصر صادق ارتشی خواستار آنند، با گام بر نداشتن جهت بهبود شرایط نامطلوب افسران و سربازان ذخیره، و با پاسخ دادن به درخواستهای سربازان و

ملوانان تنها با شدت بخشیدن به سختگیریهای پلیسی و سربازخانه‌ای، نیروهای نظامی خود را تضعیف کرده، روحیه آنها را در هم می‌شکند؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

(1) که در زمان کنونی، قیام مسلحانه نه تنها شیوه ضروری مبارزه برای آزادی بلکه همچنین مرحله‌ای است که جنبش حقیقتاً بدان رسیده است، گامی است که به لحاظ رشد و تشدید بحران سیاسی جدید، گذار از اشکال تدافعی به اشکال تعرضی مبارزه مسلحانه را آغاز می‌کند؛

(2) که در مرحله کنونی جنبش، اعتصاب سیاسی عمومی باید نه به عنوان شیوه مستقلاً از مبارزه بلکه بیشتر همچون یک شیوه کمکی در رابطه با قیام به شمار آید، بنابراین تعیین زمان اعتصاب و انتخاب مکان و صنایع مورد نظر برای برپا داشتن چنین اعتصابی، ترجیحاً باید منوط به زمان و چگونگی شکل اصلی مبارزه، یعنی قیام مسلحانه باشد؛

(3) که حزب در فعالیت تبلیغی و ترویجی خود باید توجه خاصی به تجارب عملی قیام دسامبر مبذول دارد، آن را از دیدگاه نظامی مورد بررسی انتقادی قرار دهد و درس‌های عملی برای آینده از آن استخراج نماید؛

(4) که تلاش و کوشش باز هم بیشتری باید برای تشکیل جوخه‌های رزمی، بهبود سازماندهی آنها و تأمین انواع اسلحه برای جوخه‌ها بکار گرفته شود؛ و همان طور که تجربه می‌گوید، نه تنها تشکیل جوخه‌های رزمی حزبی بلکه همچنین ایجاد جوخه‌های متحد با حزب و نیز جوخه‌های کاملاً غیرحزبی، ضرورت دارد؛

(5) که باید کار در میان نیروهای مسلح افزایش یابد، با توجه به اینکه تنها وجود نارضایی در میان نیروهای ارتش برای موفقیت جنبش کافی نیست، بلکه همچنین رسیدن به توافق بلاواسطه [مستقیم] با عناصر دمکرات انقلابی سازمان یافته در نیروهای مسلح به منظور اجرای عملیات تعرضی قاطعانه علیه حکومت، لازم است؛

(6) که با توجه به جنبش دهقانی رشد یابنده، که ممکن است در آینده‌ای بسیار نزدیک، به یک قیام منظم بدل گردد، شایسته است در زمینه تلفیق حرکت‌های کارگران و دهقانان، به منظور سازماندهی عملیات رزمی حتی الامکان مشترک و همزمان، به فعالیت پرداخته شود.

## عملیات رزمی چریکی

نظر به اینکه:

(1) از قیام دسامبر تاکنون، به ندرت در ناحیه‌ای از روسیه خصومت‌ها تماماً پایان پذیرفته است، خصومت‌هایی که مردم انقلابی آن را به شکل حملات چریکی پراکنده و گاه بیگانه بر دشمن، از خود نشان می‌دهند؛

(2) این عملیات چریکی، که به هنگام رویارویی دو نیروهای مسلح متخاصم، و همچنین در زمانی که سرکوب نظامی توسط نیروی نظامی موقتاً پیروز، بی وقفه افزایش می‌یابد، اجتناب ناپذیر می‌باشند، این عملیات به منظور پراکنده ساختن و برهم زدن تشکل نیروهای دشمن، به مرحله اجرا درمی‌آیند و راه را برای عملیات مسلحانه توده‌ای و علنی در آینده هموار می‌سازند؛

(3) این عملیات از این نظر که کسب تجارب رزمی و آموزش نظامی را برای جوخه‌های رزمی ممکن می‌سازد نیز ضروری است، چرا که در طی قیام دسامبر، در بسیاری از مناطق، این جوخه‌ها نشان دادند که برای انجام وظایف جدیدشان آمادگی ندارند؛ ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

(1) که حزب باید عملیات رزمی چریکی جوخه‌های رزمی وابسته به خود و یا متحد با حزب را، اصولاً، بمثابه عملیاتی مجاز و مقتضی در دوره کنونی به شمار آورد؛

(2) که خصلت این عملیات رزمی چریکی باید در تطابق با وظیفه آموزش رهبران توده‌های کارگران در زمان قیام و نیز وظیفه کسب تجارب در زمینه هدایت عملیات تعرضی و غافلگیر کننده، تنظیم گردد؛

(3) که مهم‌ترین هدف فوری این عملیات، انهدام حکومت، دستگاه‌های پلیس و ارتش، و برپایی مبارزه‌ای بی‌امان علیه سازمان‌های فعال گروه‌های سازمانیافته سرکوبگر [صدهای سیاه] است که در برابر مردم به قهر متوسل شده و مردم را مرعوب می‌کنند،

(4) که این گونه عملیات رزمی برای مصادره منابع مالی متعلق به دشمن، یعنی دولت خودکامه، به منظور تأمین نیازهای قیام، مجاز می‌باشد، با بذل توجه خاص بدین مطلب که در این گونه عملیات خسارات وارده به منافع مردم باید تا حد ممکن کم باشد؛

5) که عملیات رزمی چریکی باید تحت کنترل حزب انجام شود، و علاوه بر آن، اجرای عملیات باید به گونه‌ای باشد که از ائتلاف نیروهای پرولتاریا جلوگیری کرده و تضمین نماید که وضعیت جنبش طبقه کارگر و روحیه توده‌های وسیع هر محل معین در نظر گرفته می‌شوند.

### دولت موقت انقلابی و ارگان‌های محلی قدرت انقلابی

نظر به اینکه:

1) جنبش انقلابی، در جریان تکاملش به مبارزه مسلحانه علیه دولت خودکامه، تاکنون شکل قیام‌های پراکنده محلی به خود گرفته است؛

2) در این مبارزه علنی، عناصری از جمعیت محلی که قادر به جنگیدن قاطعانه علیه رژیم قدیمی هستند (تقریباً فقط پرولتاریا و بخش‌های پیشروی خرده بورژوازی) مجبور به برپا کردن سازمانهایی بوده‌اند که در عمل اشکال جنینی یک قدرت جدید انقلابی می‌باشند - شوراهای نمایندگان کارگران در سن پترزبورگ، مسکو و دیگر شهرها، شوراهای نمایندگان سربازان در ولادی وستک، کراسنویارسک و دیگر جاها، کمیته‌های کارگران راه آهن در سیبری و جنوب، کمیته‌های دهقانی در گوبرنیای [استان] ساراتوف، کمیته‌های انقلابی شهری در نووراسییسک و دیگر شهرها، و در آخر، نهادهای انتخابی روستایی در قفقاز و استانهای بالتیک؛

3) این نهادها، در هماهنگی با شکل اولیه و بدوی قیام، در فعالیت‌هایشان همان قدر پراکنده، نامنظم، بی‌عزم، و فاقد حمایت یک نیروی سازمان یافته مسلح انقلاب بوده‌اند، و از این رو محکوم به سقوط در اولین عملیات تهاجمی ارتش‌های ضدانقلابی؛

4) تنها یک دولت موقت انقلابی، بمتابۀ ارگان قیامی پیروزمند، قادر است همه مقاومتها توسط ضدانقلاب را درهم شکند، آزادی کامل برای تبلیغات انتخاباتی را تضمین کند، یک مجلس مؤسسان قادر به مستقر نمودن واقعی حاکمیت مردم را بر مبنای حق رأی عمومی، مساوی و مستقیم با رأی مخفی تشکیل دهد و مطالبات حداقلی اجتماعی و اقتصادی پرولتاریا را محقق سازد؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

1) که به منظور کامل کردن انقلاب، وظیفه فوری که اکنون در مقابل پرولتاریا قرار دارد، به صورت مشترک با دمکراتهای انقلابی، کمک کردن به وحدت بخشیدن به قیام، و برپا نمودن ارگانی است که آن را، در شکل یک دولت موقت انقلابی، متحد خواهد کرد؛

2) که یکی از شرایط برای تحقق موفقیت آمیز عملکردهای دولت انقلابی استقرار ارگانهای انقلابی خودمختار محلی، در همه جوامع شهری و روستایی که به قیام پیوسته‌اند و بر مبنای حق رأی عمومی، مساوی و مستقیم توسط رأی مخفی انتخاب شده‌اند است؛

3) که شرکت نمایندگان حزب ما در دولت موقت انقلابی به همراه بورژوا دمکراتهای انقلابی بسته به صف بندی نیروها مجاز است، و باید رسماً مشروط به کنترل شدن این نمایندگان توسط حزب، و در جوهرش، مشروط به حمایت آنها از منافع مستقل طبقه کارگر و حفظ قاطعانه استقلال حزب سوسیال - دمکرات بشود که برای انقلاب سوسیالیستی کامل تلاش می کند و از این رو با همه احزاب بورژوایی دشمنی بی امانی دارد؛

4) که، صرف نظر از اینکه آیا برای سوسیال - دمکراتها شرکت در دولت موقت انقلابی امکان پذیر خواهد بود یا نه، ترویج باید در بین وسیع ترین بخشهای ممکن پرولتاریا انجام شود تا توضیح داده شود که پرولتاریای مسلح، که توسط حزب سوسیال - دمکرات هدایت می شود، باید با هدف نگهداری، تحکیم و توسعه دادن دستاوردهای انقلاب، فشاری مداوم بر دولت انقلابی وارد آورد.

### شوراهای نمایندگان کارگران

نظر به اینکه:

1) شوراهای نمایندگان کارگران به صورت خودجوش در روند اعتصابات سیاسی توده‌ای بمثابة سازمان های غیرحزبی توده‌های وسیع کارگران پدید آمدند؛

2) این شوراها در روند مبارزه بطور اجتناب ناپذیری دستخوش تغییری هم در مورد ترکیب شان، از طریق جذب کردن عناصر انقلابی بیشتری از خرده بورژوازی، و هم در مورد ماهیت فعالیت هایشان، از طریق رشد کردن از سازمان های صرفاً اعتصابی به ارگان های مبارزه انقلابی عمومی، شدند؛



3) تا جایی که این شوراها اشکال بدوی قدرت انقلابی هستند، قدرت و اهمیت آنها کاملاً وابسته به قدرت و موفقیت قیام است؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

1) که حزب کارگری سوسیال-دمکرات روسیه باید در شوراهای غیرحزبی نمایندگان کارگران شرکت کند، همواره قوی‌ترین گروه‌های ممکن از اعضای حزب را در شوراها شکل دهد، و فعالیت این گروه‌ها را اکیداً در تطابق با فعالیت‌های عمومی حزب هدایت کند؛

2) که تشکیل دادن چنین سازمان‌هایی به منظور افزایش نفوذ سوسیال - دمکراتیک بر پرولتاریا، و نفوذ پرولتاریا بر روند و نتیجه انقلاب دمکراتیک، ممکن است، در شرایط خاصی، به سازمان‌های محلی حزب ما واگذار شود؛

3) که وسیع‌ترین بخش‌های ممکن از طبقه کارگر، و همچنین نمایندگان دمکرات‌های انقلابی، بخصوص دهقانان، سربازان و ملوانان، باید به مشارکت در شوراهای غیرحزبی نمایندگان کارگران برانگیخته شوند؛

4) که همپای گسترش یافتن فعالیت‌ها و حوزه نفوذ شوراهای نمایندگان کارگران، باید نشان داده شود که این مؤسسات محکوم به فروپاشی هستند مگر آنکه از طرف یک ارتش انقلابی پشتیبانی گردند و مگر آنکه مقامات دولتی برانداخته شوند (یعنی، مگر آنکه شوراها به دولت‌های انقلابی موقت تبدیل شوند)؛ و اینکه از این رو یکی از وظایف عمده این مؤسسات در هر موقعیت انقلابی باید مسلح کردن مردم و تقویت سازمان‌های نظامی پرولتاریا باشد.

### شیوه برخورد با احزاب بورژوایی

نظر به اینکه:

1) حزب سوسیال - دمکرات همیشه ضرورت حمایت کردن از هر اپوزیسیون و جنبش انقلابی علیه سیستم اجتماعی و سیاسی موجود در روسیه را تصدیق کرده است؛

2) در زمان حاضر که انقلاب طبقات مختلف را به عمل آشکار می‌کشاند، و بدین سان تشکیل شدن احزاب سیاسی را برمی‌انگیزد، این وظیفه فوری حزب سوسیال - دمکرات

است که خصلت طبقاتی این احزاب را معلوم سازد، روابط کنونی بین طبقات را ارزیابی نماید و شیوه برخورد خودش را با احزاب مختلف بر این اساس تعیین کند؛ (3) وظیفه عمده طبقه کارگر در مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک به اتمام رساندن آن است و از این رو حزب سوسیال - دمکرات، در تعیین کردن شیوه برخوردش نسبت به دیگر احزاب، باید بطور خاص حدی را که هر حزب قادر به پیش بردن فعالانه این هدف است در نظر بگیرد؛

(4) از این دیدگاه، همه احزاب غیرسوسیال - دمکرات موجود در روسیه (بجز احزاب مرتجع) می توانند به دو گروه اصلی تقسیم گردند: احزاب لیبرال - سلطنت طلب و انقلابی - دمکرات؛

ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

(1) که احزاب لیبرال - سلطنت طلب دست راستی (اتحادیه هفده اکتبر، حزب نظم و قانون، حزب تجاری و صنعتی [4] و غیره) بیانگر سازمانهای طبقاتی ملاکین و بورژوازی تجاری و صنعتی بزرگ هستند و آشکارا ضدانقلابی می باشند، ولی هنوز به معامله نهایی با بوروکراسی خودکامه در خصوص تقسیم قدرت نرسیده اند؛ که حزب پرولتاریا در حالی که از این برخورد که هنوز در حال رشد است بهره می گیرد، باید همزمان مبارزه ای بی امان را علیه این احزاب برپا کند؛

(2) که احزاب لیبرال - سلطنت طلب دست چپی (حزب اصلاحات دمکراتیک [5])، حزب مشروطه طلب - دمکرات، و غیره)، در حالی که سازمانهای طبقاتی اکیدی نیستند، دائماً بین خرده بورژوازی دمکرات و عناصر ضدانقلابی بورژوازی بزرگ، بین تمایل به تکیه کردن بر مردم و ترس از فعالیت انقلابی مستقل آنها نوسان می کنند، و هیچ هدفی که فراتر از مرزهای یک جامعه بورژوایی مرتب و منظم برود که توسط سلطنت و سیستم دو مجلسی از تجاوزات پرولتاریا محافظت می شود، ندارند؛ و اینکه حزب سوسیال - دمکرات باید از فعالیت های این احزاب به منظور تعلیم دادن سیاسی مردم استفاده کند، عبارت پردازی دمکراتیک ریاکارانه آنها را در مقابل دمکراسی پیگیر پرولتاریا قرار دهد، و بی رحمانه توهمات مشروطه طلبانه ای که آنها می پراکنند را افشا کند؛

3) که احزاب و سازمانهای انقلابی - دمکرات (حزب سوسیالیست - انقلابی، اتحادیه دهقانی، برخی از سازمانهای شبه اتحادیه‌ای و شبه سیاسی و غیره) به نزدیک ترین نحوی منافع و دیدگاه توده‌های وسیع دهقانان و خرده بورژوازی را بیان می کنند، قویاً با سیستم ملاکی و حالت شبه فئودالی مخالفت می کنند، همواره جهت رسیدن به دمکراسی تلاش می کنند و اهداف اساساً بورژوا - دمکراتیک خودشان را با پوششی کمابیش تیره و تار از ایدئولوژی سوسیالیستی می پوشانند؛ و اینکه حزب سوسیال - دمکرات وارد شدن به توافقات مبارزاتی با این احزاب را لازم و ضروری می داند، در حالی که همزمان بطور سیستماتیک خصلت سوسیالیستی کاذب آنها را افشا و با تلاشهایشان برای مخفی کردن تضاد طبقاتی بین پرولتاریا و مالک کوچک مبارزه می کند؛

4) که هدف سیاسی بلاواسطه چنین توافقات مبارزاتی موقتی بین حزب سوسیال - دمکرات و دمکراتهای انقلابی اطمینان حاصل کردن از تشکیل شدن یک مجلس مؤسسان از کل مردم با قدرت کامل، بر مبنای حق رأی عمومی، مساوی و مستقیم توسط رأی مخفی، با شیوه‌های انقلابی است؛

5) که توافقات مبارزاتی موقتی در زمان کنونی فقط با آن عناصری که قیام مسلحانه را بمثابة یک شیوه مبارزه تصدیق و عملاً به خلق کردن آن کمک می کنند، ممکن و مقتضی هستند.

### شیوه برخورد با احزاب سوسیال - دمکرات ملی

نظر به اینکه:

1) در روند انقلاب، پرولتاریای همه ملل در روسیه توسط مبارزه مشترک هر چه بیشتر متحد می شود؛

2) این مبارزه مشترک احزاب سوسیال - دمکرات ملی مختلف در روسیه را به همدیگر نزدیک تر می سازد؛

3) در بسیاری از شهرها کمیته‌های ادغام شده همه سازمان های سوسیال - دمکرات ملی آن محل خاص بجای کمیته‌های فدرال سابق تشکیل می شوند؛

4) بیشتر احزاب سوسیال - دمکرات ملی دیگر بر اصل فدراسیون، که به درستی توسط کنگره دوم حزب کارگری سوسیال - دمکرات روسیه رد شد، تأکید نمی کنند؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

- 1) که پراورژی ترین اقدامات باید صورت گیرند تا ادغام سریع همه احزاب سوسیال - دمکرات ملی در روسیه در یک حزب کارگری سوسیال - دمکرات متحد انجام شود؛
- 2) که اساس این ادغام باید یکی شدن کامل همه سازمانهای سوسیال - دمکرات در هر محل باشد؛
- 3) که حزب باید واقعاً برآورده شدن همه منافع حزبی و نیازهای پرولتاریای سوسیال - دمکرات هر ملت را تضمین کند، توجه کافی به ویژگی های خاص فرهنگ و شیوه زندگی آن بنماید؛ و اینکه می‌توان با برگزاری کنفرانس های ویژه سوسیال - دمکرات های هر ملت خاص، نمایندگی دادن به اقلیت های ملی در نهادهای محلی، منطقه‌ای و مرکزی حزب، تشکیل گروههای خاص از نویسندگان، ناشران، مبلغان و غیره، به این امر قطعیت بخشید.

**تذکر.** نمایندگی یک اقلیت ملی در کمیته مرکزی حزب می‌تواند، مثلاً، به نحوه زیر ترتیب داده شود: کنگره عمومی حزب می‌تواند تعداد معینی از اعضا را از میان کاندیداهای نامزد شده توسط کنگره‌های منطقه‌ای در آن قسمت هایی از روسیه که در حال حاضر سازمانهای سوسیال - دمکرات جداگانه وجود دارند برای کمیته مرکزی انتخاب نماید.

### اتحادیه‌های کارگری

نظر به اینکه:

- 1) حزب سوسیال - دمکرات همیشه مبارزه اقتصادی را بمثابة یکی از اجزای تشکیل دهنده مبارزه طبقاتی پرولتاریا دانسته است؛
- 2) تجربه همه کشورهای سرمایه داری نشان می‌دهد که قابل توصیه ترین شکل سازمان طبقه کارگر برای مبارزه اقتصادی اتحادیه‌های کارگری وسیع است؛
- 3) در حال حاضر کوششی عمومی در بین توده‌های کارگر در روسیه برای تشکیل در اتحادیه‌های کارگری به چشم می‌خورد؛

4) مبارزه اقتصادی، تنها در صورتی می تواند موجب بهبودی پایداری در وضع توده های کارگر و تقویت سازمان واقعی طبقاتی آنها گردد که این مبارزه به طور صحیحی با مبارزه سیاسی کارگران پیوند داده شود؛

ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

- 1) که تمام سازمانهای حزب باید تشکیل اتحادیه های کارگری غیرحزبی را ترویج کنند و اعضای حزب را ترغیب کنند که به اتحادیه های کارگری مربوط به حرفه خود بپیوندند؛
- 2) که حزب باید هر کوششی را به عمل آورد تا کارگران عضو اتحادیه های کارگری را به درک وسیع تری از مبارزه طبقاتی و هدف های سوسیالیستی طبقه کارگر نایل سازد، با فعالیتهایش عملاً جایگاه رهبری در این اتحادیه ها کسب کند؛ و سرانجام تضمین نماید که این اتحادیه ها، تحت شرایط معینی، در ائتلاف مستقیم با حزب قرار می گیرند - بی آنکه ابدأ اعضای غیرحزبی را از صفوف خود اخراج کنند.

### شیوه برخورد با دومای دولتی

نظر به اینکه:

- 1) دومای دولتی تقلید مسخره شرم آوری از نمایندگی عمومی است، زیرا:
  - الف) حق رأی نه همگانی، نه مساوی و نه مستقیم است، اکثریت کارگران و دهقانان عملاً از شرکت در دومای دولتی محروم می شوند، و نسبت انتخاب کنندگان از گروه های مختلف جمعیت متناسب با دیدگاه های پلیس ایجاد شده است؛
  - ب) در خصوص [در زمنیه] قدرت و موقعیت آن نسبت به هیئت وزیران، دوما یک زائده ناتوان بوروکراسی خودکامه است؛
  - ج) شرایطی که انتخابات تحت آنها برگزار می شوند به دلیل فقدان آزادی برای انجام تبلیغات، به دلیل سرکوب های نظامی، اعدام های جمعی، بازداشت ها و ستمگری پلیسی و اداری، برای مردم بیان اراده شان را کاملاً ناممکن می کند؛
  - د) تنها هدف دولت از تشکیل دادن چنین دومای دولتی فریب دادن مردم، حاکمیت خودکامه، تسهیل اختلاس برای خود و معامله و زد و بند با عناصر ارتجاعی طبقات استثمارگر است که تسلط آنها در دومای دولتی تضمین گردیده؛

2) شرکت کردن در انتخابات دومای دولتی، در حالی که به هیچ وجه کمکی به پرورش آگاهی طبقاتی پرولتاریا یا تقویت و گسترش سازمان طبقاتی و آمادگی مبارزاتی او نمی کند و به احتمال زیاد موجب تفرقه و فساد پرولتاریا می شود زیرا:

الف) اگر حزب سوسیال - دمکرات در انتخابات شرکت کند، ناگزیر بین مردم توهامات مشروطه طلبانه، این اعتقاد که انتخابات تا حدی می توانند اراده مردم را واقعاً بیان کنند، و این تصور که حزب راه مشروطه طلبی کاذب را در پیش گرفته، می پرورد؛

ب) گروه های نمایندگان انتخاب شده توسط کارگران، و انتخاب کنندگان، از نظر تعداد کم شان، کوتاهی دوره احراز مسئولیت و کارکرد خاص شان، به هیچ وجه نمی توانند کمکی به ساختن یک سازمان واقعاً انقلابی پرولتاریا بکنند؛

پ) شرکت کردن در انتخابات توجه پرولتاریا را بجای جنبش انقلابی که در بیرون از دوما جریان دارد، بر نمایش مسخره ای که توسط دولت اجرا می شود متمرکز می سازد، و توجه را بجای تبلیغات گسترده در بین توده ها، بر تبلیغات در بین گروه های کوچکی از انتخاب کنندگان متمرکز می سازد؛

ت) شرکت ما در انتخابات نمی تواند موجب تسهیل آموزش سوسیال - دمکراتیک بخش های ناآگاه تر توده های گرد که می خواهند در انتخابات دوما، منحصرأ به شیوه قانونی شرکت کنند شیوه ای که ح. ک. س. د. ر. اکنون نمی تواند بپذیرد؛

ث) صرف نظر کردن بخشی از انتخاب کنندگان از گردهم آیی های انتخاباتی گوبرنیا [استان ها] نه می تواند تشکیل شدن دوما را مختل سازد و نه می تواند منجر به برآمد یک جنبش مردمی وسیع بشود؛

3) شرکت کردن در انتخابات در موقعیت سیاسی کنونی سوسیال - دمکراتها را مجبور خواهد کرد که یا بدون رساندن هیچ نفعی به جنبش کنار بکشند، یا به موضع دستیاران خاموش مشروطه طلبان - دمکراتها در جنایت تنزل کنند؛

ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

1) که ح. ک. س. د. ر. باید اکیداً از شرکت کردن در دومای دولتی امتناع کند؛

2) که ح. ک. س. د. ر. باید اکیداً از شرکت کردن در هر مرحله از انتخابات دومای دولتی امتناع کند؛

3) که ح. ک. س. د. ر. باید قوی ترین استفاده را از همه گردهم آیی‌ها در رابطه با انتخابات به منظور شرح دادن دیدگاه‌های سوسیال - دمکراتها بطور عام، و انتقاد بی رحمانه از دومای دولتی بطور خاص، و بخصوص فراخواندن به مبارزه‌ای جهت تشکیل انقلابی یک مجلس مؤسسان از کل مردم بکند؛

4) که ح. ک. س. د. ر. همچنین باید از تبلیغات در خصوص دوما برای آشنا کردن وسیع ترین توده‌های ممکن مردم با همه دیدگاه‌های حزب درباره تاکتیکها در موقعیت انقلابی کنونی، و وظایفی که از آن برمی خیزند، استفاده کند.

### اصول سازمان حزبی

نظر به اینکه:

- 1) اصل مرکزیت دمکراتیک اکنون در حزب عموماً پذیرفته شده است؛
  - 2) اگر چه اجرای مرکزیت دموکراتیک دشوار شده است، اما با این حال می توان آن را تا حدود معینی در شرایط سیاسی موجود به اجرا درآورد؛
  - 3) اثبات شده است که آمیختن دستگاههای مخفی و قانونی سازمان حزبی برای حزب بسیار مهلك است، و به فتنه انگیزی دولت یاری می رساند؛  
ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:
- 1) که اصل انتخابی بودن در سازمانهای حزبی باید از بالا تا پایین به اجرا درآید؛
  - 2) که انحراف از این اصل، برای مثال: انتخابات دو مرحله‌ای یا گماشتن افراد برای نهادهای انتخابی، و غیره، تنها هنگامی مجازند که موانع پلیسی غیرقابل عبور باشند، و یا در موارد استثنائی که بطور خاص به آنها پرداخته می شود؛
  - 3) که حفظ و تقویت هسته‌های مخفی سازمان حزبی ضروری است؛
  - 4) که به منظور همه نوع فعالیت های علنی (در مطبوعات، در گردهم آیی‌ها، در اتحادیه‌ها، بویژه اتحادیه های کارگری و غیره) قسمتهای خاصی از سازمانهای حزبی باید تشکیل شوند که به هیچ وجه نمی توانند هسته مخفی را به خطر اندازند؛

5) که باید یک نهاد مرکزی برای حزب وجود داشته باشد، یعنی، کنگره عمومی حزب باید یک کمیته مرکزی واحد انتخاب کند، که هیئت تحریریه ارگان مرکزی حزب و غیره را منصوب خواهد نمود.

منتشر شده در پارتینیه ایزوستیا

شماره 2، 26 مارس 1906

انتشار بر طبق متن روزنامه

مجموعه آثار لنین، جلد 10

## توضیحات

1- پلاتفرم تاکتیکی بلشویک ها برای کنگره وحدت ح. ک. س. د. ر. در نیمه دوم فوریه 1906 تنظیم شد. همه پیش نویس های قطعنامه که پلاتفرم را تشکیل می دادند، بجز «وظایف طبقاتی پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک»، توسط لنین نوشته شدند. پلاتفرم در شکل اولیه اش در گردهم آیی های رهبران حزب در کونوککالای فنلاند، جایی که لنین برای مدتی در آن زندگی می کرد، به بحث گذاشته شد.

در اوایل مارس پلاتفرم در مسکو، در یک گردهم آیی اعضای کمیته مسکو، گروهی از مبلغان و مروجان، گروه ادبی، دفتر مسکوی کمیته مرکزی، اعضای کمیته اوکروژنوی و دیگر فعالان حزبی، با شرکت لنین، و سپس، در اواسط مارس، در کنفرانسی در سن پترزبورگ به ریاست لنین، مورد بحث قرار گرفت. در 20 مارس (2 آوریل) پلاتفرم در پارتینیه ایزوستیای شماره 2، و همچنین به شکل یک جزوه توسط کمیته مرکزی مشترک و کمیته مشترک سن پترزبورگ ح. ک. س. د. ر. چاپ شد.

2- اشاره است به جزوه «خطاب به حزب»، منتشر شده توسط کمیته مرکزی مشترک ح. ک. س. د. ر. در فوریه 1906. این جزوه به مسائل مربوط به تشکیل شدن کنگره چهارم (وحدت) می پرداخت.

3- با در نظر داشتن اختلافات بر سر مسئله ارضی، که بخصوص در آستانه کنگره چهارم (وحدت) ح. ک. س. د. ر. برجسته شدند، کمیته مرکزی مشترک کمیته ای خاص که دربردارنده لنین بود را منصوب کرد تا مسأله را به کنگره ارائه کند. کمیته همه دیدگاه های مختلف درباره مسئله ارضی را که بین سوسیال – دمکرات ها ابراز می شدند به صورت



چهار نوع اساسی پیش نویس خلاصه و آنها را به کنگره تقدیم کرد. بیشتر اعضای کمیته نقطه نظر لنین را پذیرفتند، از این رو پیش نویس او به عنوان پیش نویس مورد قبول اکثریت کمیته به کنگره تقدیم شد. این پیش نویس به همراه پلاتفرم تاکتیکی در مارس 1906، در گردهم آیی‌های بلشویکی قبل از کنگره تأیید شد.

4- **حزب تجاری و صنعتی** - حزبی ضدانقلابی متشکل از سرمایه داران بزرگ، که در مسکو پس از انتشار مانیفست 17(30) اکتبر 1905 تأسیس شد. بنیان گذاران آن گ. آ. کرستونیکوف، و. پ. ریابوشینسکی و دیگر سرمایه داران بزرگ بودند. این حزب، که خود را یک حامی مانیفست اکتبر معرفی می کرد، بر استقرار یک قدرت دولتی نیرومند به منظور فرونشاندن جنبش انقلابی اصرار می ورزید. با تشکیل شدن یک مجلس مؤسسان، ملی شدن زمین، معمول شدن روز کار هشت ساعته و آزادی اعتصاب مخالفت می کرد. در انتخابات دومای اول بلوکی با اکتبريست‌ها تشکیل داد. در اواخر سال 1906 از هم پاشید، بیشتر اعضای آن به اتحادیه هفده اکتبر پیوستند.

5- **حزب اصلاحات دمکراتیک** - یک حزب بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب که در اوایل سال 1906، در طی انتخابات برای دومای اول، توسط عناصری که برنامه کادتی را خیلی چپ گرایانه می پنداشتند تأسیس شد. از بین رهبران برجسته آن می توان به ک. ک. آرسنیف، ی. ی. ایوانیوکوف، م. م. کووالفسکی، و. د. کوزمین - کاراوایف و آ. س. پوسنیکف اشاره کرد. این حزب که پایه محکمی نداشت تا پایان سال 1907 موجودیتش را از دست داد.

[www.aazarakhsh.org](http://www.aazarakhsh.org)